



مبادی و مبانی اصول خطوط و خوشنویسی اسلامی ایران (۲)

علی اصغر مقتدایی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک‌درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صورتی جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک‌درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست

| | |
|--|----|
| پیشگفتار..... | نه |
| بخش اول. اصول و قواعد و آداب خوشنویسی | ۱ |
| فصل اول. اصول و قواعد خوشنویسی | ۳ |
| ۱-۱ اصول و قواعد خوشنویسی ابن مقله | ۳ |
| ۱-۱-۱ حسن تشکیل | ۴ |
| ۱-۱-۲ حسن وضع | ۴ |
| ۲-۱ اصول و قواعد خوشنویسی پس از ابن مقله | ۵ |
| ۳-۱ اصول و قواعد کلی و جزئی خوشنویسی | ۶ |
| خودآزمایی | ۱۰ |
| فصل دوم. آداب المشق | ۱۲ |
| ۱-۲ آداب المشق | ۱۲ |
| ۱-۲-۱ مشق نظری | ۱۲ |
| ۱-۲-۲ مشق قلمی | ۱۳ |
| ۱-۲-۳ مشق خیالی | ۱۴ |
| ۲-۲ توصیه‌های لازم برای پیشرفت خط | ۱۵ |
| ۳-۲ دانگ | ۱۶ |
| خودآزمایی | ۱۸ |
| فصل سوم. آداب خوشنویسی | ۱۹ |
| ۱-۳ خوشنویسی | ۱۹ |
| ۱-۳-۱ نقطه | ۲۰ |
| ۱-۳-۲ سطر نویسی | ۲۱ |

| | |
|-----|---|
| ۲۵ | ۳-۱-۳ بیت (قطعه دو سطری) |
| ۲۹ | ۳-۱-۴ چلیپا |
| ۴۷ | ۳-۱-۵ خوشنویسی در مهرسازی و حکاکی |
| ۴۷ | ۳-۱-۶ حکاکی و مهرسازی |
| ۵۲ | ۳-۱-۷ قصارنویسی |
| ۵۴ | ۳-۱-۸ کتابت |
| ۶۶ | ۳-۱-۹ سیاه‌مشق |
| ۷۴ | خودآزمایی |
| ۷۷ | بخش دوم. ابداع خطوط مختلف |
| ۷۹ | فصل چهارم. ابداع خطوط مختلف در ایران |
| ۷۹ | ۴-۱ خط‌های ابداعی در ایران |
| ۸۰ | ۴-۱-۱ خط طغرا |
| ۸۳ | ۴-۱-۲ خط شبه طغرا |
| ۸۴ | ۴-۱-۳ خط مثنی |
| ۸۷ | ۴-۱-۴ نقاشی خط |
| ۹۵ | ۴-۱-۵ گرایش‌های نوین خوشنویسی |
| ۱۰۱ | ۴-۱-۶ نقاشی خط |
| ۱۰۲ | ۴-۱-۷ خط گلزار |
| ۱۰۴ | ۴-۱-۸ مرغ بسمله |
| ۱۰۶ | ۴-۱-۹ قطاعی و وصالی |
| ۱۰۹ | ۴-۱-۱۰ خط ناخنی و نقاشی ناخنی |
| ۱۱۳ | ۴-۲-۱۱ خط تزئینی |
| ۱۱۴ | ۴-۱-۱۲ خط معلی |
| ۱۱۷ | خودآزمایی |
| ۱۱۹ | فصل پنجم. مهم‌ترین خطوط ابداعی کشورهای اسلامی |
| ۱۱۹ | ۵-۱ ابداع خطوط در سایر کشورها |
| ۱۲۰ | ۵-۱-۱ خط اجازه |
| ۱۲۲ | ۵-۱-۲ خط دیوانی |
| ۱۳۰ | ۵-۱-۳ خط رقعہ |
| ۱۳۲ | خودآزمایی |
| ۱۳۵ | بخش سوم. کتیبه‌نویسی و کتیبه‌نگاری |
| ۱۳۷ | فصل ششم. کتیبه‌نویسی |
| ۱۳۷ | ۶-۱ کتیبه‌نویسی و کتیبه‌نگاری |
| ۱۳۸ | ۶-۱-۱ کتیبه‌های آجری |
| ۱۴۰ | ۶-۱-۲ کتیبه‌های گچبری |

| | |
|-----|---|
| ۱۴۴ | کتیبه‌های سنگی ۳-۱-۶ |
| ۱۴۷ | کتیبه‌های سفالی و سرامیکی ۴-۱-۶ |
| ۱۴۹ | کتیبه‌های کاشی‌کاری ۵-۱-۶ |
| ۱۵۳ | کتیبه‌های کاشی زرین‌فام ۶-۱-۶ |
| ۱۵۵ | کتیبه‌ها و نقش‌برجسته‌ها در دوران معاصر ۷-۱-۶ |
| ۱۶۰ | کتیبه‌نگاری بر پارچه‌های ابریشمی ۸-۱-۶ |
| ۱۶۱ | خط بر روی پارچه‌های زری ۹-۱-۶ |
| ۱۶۳ | نقده‌دوزی کتیبه‌های پرده‌خانه‌ی خدا ۱۰-۱-۶ |
| ۱۶۷ | خط و کتیبه در بافت فرش ۱۱-۱-۶ |
| ۱۶۹ | کتیبه‌های خطی بر روی چوب ۱۲-۱-۶ |
| ۱۷۰ | کتیبه‌های به‌کار رفته بر روی فلزات ۱۳-۱-۶ |
| ۱۷۳ | خط و نوشتار بر روی پوست ۱۴-۱-۶ |
| ۱۷۴ | نگارش بر روی پوست کاغذی ۱۵-۱-۶ |
| ۱۷۵ | کتیبه‌نویسی بر روی عاج ۱۶-۱-۶ |
| ۱۷۶ | خودآزمایی |
| ۱۷۹ | بخش چهارم. ابزار و لوازم خوشنویسی |
| ۱۸۱ | فصل هفتم. ابزار خوشنویسی |
| ۱۸۲ | ۱-۷ ابزار خوشنویسی |
| ۱۸۲ | ۱-۱-۷ قلم نی |
| ۱۸۴ | ۲-۱-۷ قلم تراش |
| ۱۸۵ | ۳-۱-۷ قط زن |
| ۱۸۶ | ۴-۱-۷ طرز تراشیدن قلم |
| ۱۸۹ | ۵-۱-۷ دوات |
| ۱۹۰ | ۶-۱-۷ ليقه |
| ۱۹۰ | ۷-۱-۷ مرکب |
| ۱۹۳ | ۸-۱-۷ قلمدان |
| ۱۹۴ | ۹-۱-۷ مسطر |
| ۱۹۶ | ۱۰-۱-۷ وسیله‌ی به‌هم زدن ليقه و مرکب |
| ۱۹۶ | ۱۱-۱-۷ پارچه‌ی حریر یا پشمین کوچک |
| ۱۹۶ | ۱۲-۱-۷ قاشق آب دوات‌کن |
| ۱۹۶ | ۱۳-۱-۷ قیچی |
| ۱۹۷ | ۱۴-۱-۷ تخته پوست |
| ۱۹۷ | ۱۵-۱-۷ سنگ فسان |
| ۱۹۷ | ۱۶-۱-۷ تخته مهره |
| ۱۹۷ | ۱۷-۱-۷ کاغذ |
| ۱۹۸ | ۱۸-۱-۷ پایروس |
| ۲۰۶ | خودآزمایی |

| | |
|-----|--|
| ۲۰۸ | فصل هشتم. رنگ کردن کاغذهای ستی |
| ۲۰۸ | ۱-۸ رنگ کردن کاغذ |
| ۲۰۸ | ۱-۱-۸ رنگ زعفرانی |
| ۲۰۹ | ۲-۱-۸ رنگ حنایی |
| ۲۰۹ | ۳-۱-۸ رنگ زرد |
| ۲۱۰ | ۴-۱-۸ رنگ سرخ |
| ۲۱۰ | ۵-۱-۸ رنگ چای |
| ۲۱۰ | ۶-۱-۸ رنگ کردن کاغذ با پرمنگنات |
| ۲۱۱ | ۷-۱-۸ رنگ آل |
| ۲۱۱ | ۸-۱-۸ رنگ خود رنگ |
| ۲۱۱ | ۹-۱-۸ رنگ کاهی |
| ۲۱۱ | ۱۰-۱-۸ رنگ کبود |
| ۲۱۲ | ۱۱-۱-۸ رنگ زنگاری |
| ۲۱۲ | ۱۲-۱-۸ رنگ‌های مرکب |
| ۲۱۳ | ۱۳-۱-۸ انواع دیگر رنگ کردن کاغذ |
| ۲۱۴ | ۲-۸ آهار دادن کاغذ |
| ۲۱۴ | ۳-۸ مهره کشیدن |
| ۲۱۵ | ۴-۸ ساخت کاغذ ابری |
| ۲۱۸ | ۵-۸ طرز تهیه حل طلا، نقره، لاجورد، مس، برنج، شنگرف و زنگار |
| ۲۱۹ | خودآزمایی |
| ۲۲۱ | بخش پنجم. تذهیب و آرایش قطعات خوشنویسی |
| ۲۲۳ | فصل نهم. تذهیب و آرایش قطعات خوشنویسی |
| ۲۲۳ | ۱-۹ پیشینه تذهیب قطعات خوشنویسی |
| ۲۲۶ | ۲-۹ تزئین و آرایش قطعات خوشنویسی |
| ۲۲۷ | ۱-۲-۹ لچکی |
| ۲۲۷ | ۲-۲-۹ ترنج |
| ۲۲۷ | ۳-۲-۹ تاج |
| ۲۲۷ | ۴-۲-۹ ختایی |
| ۲۲۷ | ۵-۲-۹ اسلیمی |
| ۲۲۸ | ۶-۲-۹ جدول |
| ۲۲۸ | ۷-۲-۹ گره |
| ۲۲۸ | ۸-۲-۹ دندان موشی |
| ۲۲۸ | ۹-۲-۹ طلااندازی و گل و بته در زمینه و بین سطور در قطعات خوشنویسی |
| ۲۲۸ | ۱۰-۲-۹ انگ |
| ۲۴۳ | بخش ششم. رسالات خوشنویسی |
| ۲۴۵ | فصل دهم. رسالات خوشنویسی |
| ۲۵۳ | منابع |

پیشگفتار

هنر والا و ارزشمند خوشنویسی با سابقه درخشان خود در تاریخ هنر اسلامی از پایگاه ویژه و رفیعی برخوردار است. کاتبان با الهام از فرهنگ غنی اسلام در مقام مدرس اخلاق به روح معنوی مفاهیم اسلامی جلوه خاص بخشیده‌اند. این هنر در طول عمر پربار خویش از ناخالصی‌ها به‌دور مانده و همواره قابلیت خود را برای ثبت آثار جاوید و ماندگار به اثبات رسانیده است.

در این کتاب آداب خوشنویسی شامل: اصول و قواعد خوشنویسی، آداب المشق، سطر نویسی، بیت، چلیپا و کتابت، به همراه آثاری از خطوط استادان بزرگ خوشنویسی آورده شده است. ابداع خط‌های مختلف در ایران و سایر کشورهای اسلامی که بیشتر تفنی بوده به همراه نمونه‌هایی از هر یک از خط‌های ابداعی نیز بخش دیگری از این کتاب آموزشی است. در میان خط‌های ابداعی به گرایش‌های نوین خوشنویسی می‌رسیم که خوشنویسان، نقاشان و گرافیست‌ها با خلق آثار بدیع، دریچه‌ای تازه به این هنر نوگرا باز کرده‌اند. در گرایش‌های نوین خوشنویسی، حرکت، ریتم و ترکیب نوشته مهم‌تر از خود نوشته است. خالق اثر، مفهوم کلمه یا متن نوشته شده را به وسیله احساس رنگ و حرکت به بیننده منتقل می‌کند. خوشنویس و طراح تلاش می‌کند تا با استفاده از هر ابزاری، خط جدیدی را با شکل و فرم بدیع که قبلاً نوشته نشده است، بنویسد و یا طراحی کند.

در خاتمه از همکاری صمیمانه کلیه همکاران به‌ویژه آقای دکتر محمدعلی ابراهیمی (مدیریت محترم تدوین)، آقای محمدرضا ثمری (معاون محترم تدوین)، سرکار خانم مینا حاجی انزهایی (کارشناس محترم تدوین) آقای دکتر امید بناکار شیرازی (ویراستار علمی)، به‌دلیل زحمات بی‌دریغ‌شان در راستای چاپ کتاب، کمال سپاسگزاری و امتنان را دارم.

علی اصغر مقتدائی

بخش اول

اصول و قواعد و آداب خوشنویسی

فصل اول

اصول و قواعد خوشنویسی

هدف کلی

آشنایی با خوشنویسی و آداب آن

اهداف یادگیری

در پایان این بخش از دانشجو انتظار می‌رود:

۱. اصول و قواعد خوشنویسی را نام ببرد.
۲. مفهوم ترکیب در خوشنویسی را بداند.
۳. محل قرار گرفتن کرسی در خطوط محقق، ریحان و ثلث را بشناسد.
۴. تفاوت قوت و ضعف را در اصول و قواعد خوشنویسی تشخیص دهد.

۱-۱ اصول و قواعد خوشنویسی ابن مقله

زیبا نوشتن خط از صدر اسلام تاکنون مورد توجه محرران، نویسندگان و خوشنویسان بوده و هر یک از آنان در راه زیبایی، شیوایی و واضح نوشتن خط گام‌های مؤثری را برداشته‌اند. تا اواخر قرن سوم هجری قمری ضابطه و قانونی برای خط تدوین نشده بود و هر یک از خوشنویسان بر مبنای ذوق و سلیقه خود چیز می‌نوشتند، و این حالت تا زمان ابن مقله ادامه داشت. ابن مقله با کمک برادرش ابو عبدالله حسن بن علی قوانین خط را به میزان علم هندسه

در آورد و به آن رتبه علمی بخشید. ابن مقله قاعده علمی خود را در باره بنیان حروف در رساله *علم الخط و القلم* بیان داشته و آن عبارت است از خط مستقیم برای «الف» که قطر دایره‌ای را تشکیل می‌دهد و کمانی‌های حروف بر آن بنا می‌شود. بدین صورت که «الف» را با هر قلمی بخواهند می‌نویسند، آن‌گاه پرگار را بر وسط «الف» می‌گذارند و دایره‌ای که محیط به آن الف باشد ترسیم می‌کنند؛ پس از آن اندازه‌های دیگر حروف را با مقایسه و سنجش با آن دایره و قطر به دست می‌آورند. مؤلفان *صبح الاعشى*، *نفايس الفنون* و *كشف الظنون*، بنیان و اساس قواعد کلی و عمومی خط را همان دانسته‌اند که ابن مقله گفته است. خوشنویسان به قواعدی که ابن مقله برای خط وضع کرد، توجه داشتند. این قواعد زمینه مساعدی بود برای استادان تا بر پایه آن بتوانند اصول و قواعد خوشنویسی را به حدّ نهایی برسانند. قواعد کلی و عمومی خط را ابن مقله در دو دستگاه *حُسن* تشکیل و *حُسن* وضع مقرر داشته است.

۱-۱-۱ حُسن تشکیل

ابن مقله اندازه و بهره هر حرفی را از خطوط هندسی سطح و دور، بلندی و کوتاهی، باریکی و ضخیمی، راستی در خطوط قائم و افقی و مایل و حرکات قلم در آن‌ها و نیز ارسال را در حسن تشکیل باز نموده است، که از این بیان، اجزاء قواعد اصول و نسبت استفاده می‌شود. برای به دست آوردن حسن تشکیل حروف در خوشنویسی، رعایت نکات زیر لازم است:

- توفیه - رعایت قوس، سطح و دور حرف به تناسب پهنای همان قلم؛
- اتمام - رعایت طول، عرض و ارتفاع حروف و تناسب آن‌ها؛
- اکمال - رعایت کلی اصول هر حرف در نوشتن؛
- اسباغ - رعایت غلظت و رقت حروف در نوشتن؛
- ارسال - رها کردن دست در پایان حروفی مانند «د، و، ر».

۱-۱-۲ حُسن وضع

ابن مقله به پیوند دادن حروف پیوندپذیر (متصله)، جمع آوردن حروف منفصل با سایر حروف، قرار گرفتن کلمه‌ای در مجاورت کلمه دیگر، نظم سطرها و رعایت جای مناسب برای کشیده‌ها در دستگاه *حُسن* وضع اشاره کرده است، که از این‌ها دو قاعده دیگر یعنی ترکیب و کرسی به دست می‌آید. برای رعایت *حُسن* وضع باید به این نکته‌ها آگاهی داشت:

- ترصیف - رعایت محلّ هر حرف یا کلمه با حروف دیگر؛
- تألیف - رعایت حُسن اتّصال حروف در تشکیل کلمه؛
- تسطیر - رعایت محلّ تمامی حرف‌ها و کلمه‌ها برای هماهنگی هر سطر؛
- تنصیل - رعایت زیبایی در کشیده‌نویسی حرف‌ها و کلمه‌ها.

۱-۲ اصول و قواعد خوشنویسی پس از ابن مقله

خوشنویسان بعد از ابن مقله هشت قاعده یا دوازده قاعده (و یا بیشتر) را از رساله وی استخراج کرده و با تغییر الفاظ به‌کار برده‌اند. ابن بواب ناظر به قواعد ابن مقله بوده و آن‌ها را به‌کار برده است. یاقوت مستعصمی از ابن مقله پیروی کرده و قواعد هشت‌گانه خط را: اصول، ترکیب، کراس (کرسی)، نسبت، صعود، تشمیر (شمره)، نزول و ارسال دانسته و آن را در این بیت آورده است:

اصول و ترکیب کراس و نسبت صعود و تشمیر نزول و ارسال

یاقوت مستعصمی مهندسی‌ها و سنجش‌های ابن مقله و ابن بواب را به زیبایی درهم آمیخت و اصول و قواعد خوشنویسی را خلاصه کرد. وی انواع خطوط شش‌گانه (محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع) که به اqlام سته معروف بودند را انتخاب کرد و تعلیم داد. میرعلی تبریزی در بیان قواعد خوشنویسی، خط نستعلیق را در ردیف خطوط سته یاقوتی درآورد. وی رساله مختصری به‌نام مفردات میرعلی تبریزی در بیان قواعد خط نستعلیق نوشته که اکنون در دست است. پس از میرعلی تبریزی، میرزا جعفر تبریزی بایسنغری رساله خط را بر مبنای قواعد یاقوت و نستعلیق میرعلی تبریزی نوشته است. سلطانعلی مشهدی در رساله صراط‌السطور، ارسال را در خط نستعلیق جایز نمی‌داند و هفت قاعده دیگر که شامل: اصول، ترکیب، کرسی، نسبت، صعود، نزول و شمره است را از اصول و قواعد خط دانسته است، چنان‌که در رساله خود آورده است:

نسخ تعلیق را مجوی ارسال کاندرین باب نیست قال و مقال

باباشاه اصفهانی در رساله آداب‌المشوق، اجزای خط را دو قسم بیان کرده، تحصیلی و غیر تحصیلی. تحصیلی آن است که کاتب باید آن را به ممارست و مداومت و پخته ساختن حاصل کند و شامل: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول

مجازی، اصول، صفا و شأن است؛ و غیرتحصیلی آن است که چون تحصیلی حاصل شود، آن نیز حاصل شود و عبارت است از: سواد، بیاض، تشمیر، صعود حقیقی و نزول حقیقی. اما در رساله *آداب‌المشقی* منسوب به میرعماد^۱ همان مطالب رساله *آداب‌المشقی* باباشاه اصفهانی با اندکی اختلاف آمده است. در رساله *آداب‌المشقی*، میرعماد اجزای تحصیلی خط را: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول حقیقی، اصول، صفا و شأن برشمرده؛ و اجزای غیر تحصیلی را، سواد، بیاض، تشمیر، صعود حقیقی و نزول بیان کرده است (بیانی و سنگلاخ، ۱۳۶۸: ۹۷ - ۹۳).

۱-۳ اصول و قواعد کلی و جزئی خوشنویسی

اصول و قواعد کلی و جزئی پانزده‌گانه خوشنویسی از این قرار است:

• **ترکیب** - در دستگاه حُسن وضع، ترکیب عبارت است از آمیزش معتدل و موافق حرف، کلمه، جمله، سطر، دو سطر، سطرها در صفحه و خوبی اوضاع کلی آن‌ها به-طوری که خوش‌آیند طبع سلیم گردد. ترکیب بر دو قسم است:

ترکیب جزئی - حُسن آمیزش شکل‌ها و خوبی حرکات در یک حرف و یا یک کلمه را ترکیب جزئی گویند.

ترکیب کلی - ترکیب در جمله، مصراع، سطر و چند سطر را ترکیب کلی می‌نامند، و آن حُسن مجاورت و قرارگرفتن منظم و مرتب کلمات و حروف در کنار یکدیگر است. در هر دو ترکیب جزئی و کلی، حُسن اتصال و انفصال اهمیت دارد، به‌ویژه در ترکیب کلی که با وجود انفصال، کلمات و سطرها چگونه منظم و مرتب کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. برای رعایت قاعده ترکیب، خوشنویس از خط کرسی کمک می‌گیرد و قواعد

۱. بعضی تألیف رساله *مشور آداب‌المشقی* را که فعلاً تألیف آن منسوب به میرعماد می‌دانند، از باباشاه اصفهانی دانسته‌اند. در این باره در *نامه دانشوران ناصری* آمده است: «... و خوشنویسان در باب خط زیاده رسایل پرداخته‌اند و مشهور اکنون رساله بابا شاه اصفهانی است که آن نسخه به خط خود بابا شاه در میان بوده و هست. یکی از آن نسخه‌ها وقتی به‌دست یکی از قطعه‌فروشان بی‌مروت افتاد، محض شهرت که خوب به‌فروش برساند، عنوان آن رساله را به اسم میرعماد نمود و چون به‌دست نویسندگان افتاد، از روی آن نسخه کرده و [رساله *آداب‌المشقی*] به اسم میرعماد شهرت یافت.» من نسخه‌های متعدد خطی و چاپی از این رساله دیده‌ام که در مقدمه تمام آن‌ها، نام مؤلف، میرعماد ضبط شده است؛ ولی نسخه اصیلی از *آداب‌المشقی* در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان به خط باباشاه اصفهانی وجود دارد که نقل نامه دانشوران ناصری را تأیید می‌کند. در مقدمه این نسخه خطی، نام مصنف، باباشاه اصفهانی ثبت شده و در پایان نسخه به خط متن رساله آمده است: «کاتبه مصنفه، باباشاه الاصفهانی غفرالله ذنوبه» (بیانی، ج ۱، ص ۸۷).

اصول و نسبت را به دقت به کار می‌بندد تا هر حرفی و کلمه‌ای به قرارگاه خود بنشیند و سواد و بیاض و خلوت و جلوت بین کلمات و جملات و سطرها را با فاصله هر کدام از یکدیگر منظور دارد. کشیده‌ها را به اندازه‌های مطلوب به جا و به‌مورد خود به کار برد، و اگر خطی حرکت و اعراب و علامت و تزئین داشت جایگاه هر یک را به خوبی بشناسد و در جای خود قرار دهد، همچنین نشانه‌های دستوری را آنجا که لازم است به کار گیرد. اجزای ترکیب که بدان اشاره شد ده جزء است:

- ترکیب در حرف و کلمه؛

- ترکیب در جمله و سطر؛

- ترکیب در سطرها و صفحات؛

- رعایت فاصله‌ها و سواد و بیاض بین جمله و سطر؛

- سنجش قلم با زمینه خط؛

- رعایت حُسن مجاورت و نظم و اعتدال؛

- رعایت کشیده‌ها؛

- دانستن طریقهٔ مرکبات (نحوهٔ بهم پیوستن کلمات)؛

- رعایت حرکات و ضوابط مانند: فتحه، ضمه، کسره، سکون، تنوین، تشدید، جزم، و مد،

و تزئینات مختلف در خطوط محقق، ریحان و ثلث، و علامت‌های خلاصه‌شدهٔ

جملات مانند: (ص)، (ع)، (ره)؛

- رعایت نشانه‌گذاری دستوری مانند: «، ؛ ؟ () [] - اِ / ! و...».

• **کرسی** - کرسی در لغت به معنی تکیه‌گاه، نشست‌گاه و تخت است؛ و در اصطلاح

خوشنویسی برابر هم نوشتن حروف و کلمات مشابه‌گونه در سطر و بیت را گویند. با

توجه به اینکه رعایت قاعدهٔ کرسی بر رعایت خط یا خطوط مستقیم وابسته است،

می‌توان خط کرسی را این‌گونه تعریف کرد: خط یا خطوط مستقیمی که خوشنویس

در نظر می‌گیرد تا حروف و کلمات را به‌میزان آن به‌طور قرینه و برابر و معادل هم

بنویسد و آن را در سطری مرتب و جایگزین سازد. کرسی‌بندی با ترکیب رابطهٔ

تنگاتنگی دارد، چرا که این دو از اعضاء اصلی حُسن وضع به‌شمار می‌آیند.

دربارۀ تعداد خط کرسی در برخی از رسالات اشاراتی شده است. میرزا جعفر تبریزی در

رسالهٔ خط گفته است: استادان خط پنج کرسی را برای خطوط محقق، ریحان و ثلث اثبات

کرده‌اند، کرسی اول رئوس الف‌ها یعنی «ا، ل و کافِ لامی» است که آن را رأس الخط گویند؛ کرسی دوم سرهای حروف «د، ر، ص، ط، عینِ وسط، ف، ق، و، ه»؛ کرسی سوم ذیل حروف «ا، ل، ب و حروف مشابه آن»؛ کرسی چهارم ذیل حروف «د، ر، س، ص، ق، ن، ی» و کرسی پنجم ذیل حروف «ج، ع و حروف مشابه آن‌ها» که آن را کرسی ذیل الخط گویند. عبدالله صیرفی در رسالهٔ اصول خطوط سته، تعداد کرسی را برای همهٔ خطوط سه کرسی دانسته است، یک کرسی در وسط و دو کرسی به فاصله‌های معین در بالا و پایین.

طریقهٔ عملی قاعدهٔ کرسی در خط نستعلیق این است که یک خط افقی (یا خط کرسی) را روی صفحهٔ کاغذ ترسیم می‌کنند، آن‌گاه شعر یا جمله را با دقت می‌نویسند به طوری که پایین تمام حروفی و کلماتی که به «ا، ب، پ، ت، ث، د، ذ، ر، ز، ژ، ط، ظ، ف، ک، گ، و، ه» ختم می‌شوند روی خط کرسی قرار گیرند. پایین دایره‌های «س، ش، ص، ض، ق، ل، ن، ی» نیز در یک ردیف؛ و پایین دایره معکوس «ج، چ، ح، خ، ع، غ» برابر هم، حرف «ر» کشیده در کلماتی چون «نیز، خیر، کبیر و...» پایین خط کرسی و دنبالهٔ حرف «م» که پنج نقطه از خط کرسی پایین‌تر قرار می‌گیرد.

● **نسبت** - آن است که خط با هر اندازه قلمی که نوشته می‌شود (ریز یا درشت)، حروف و کلمات آن باید متناسب با همان قلم باشد و نسبت به قلم کوچک و بزرگ نباشد؛ به عبارت دیگر، حروف متشابه و هم‌شکل یکسان و معتدل باشند. باباشاه اصفهانی گوید: چون این صفت در خط به فعل آید، هر دو هیئت که مثل یکدیگر باشند، کمال مشابهت خواهند داشت و اگر خلاف این باشد، مطبوع نخواهد بود.

● **ضعف** - هرگاه در ابتدا و وسط بعضی از حروف و انتهای بیشتر حروف مانند «ب، ر، س، ح»، «ن، ی» و «ر، و»، قلم، شکلی باریک‌تر از تمام قلم حاصل شود، و یا بخشی از حروف با پهنایی کمتر از تمام قلم (مانند نیش قلم، یک سوم قلم، یک دوم قلم و ...) نوشته شود آن را ضعف گویند. کمال آن است که در نهایت دوائر به فعل آید.

● **قوت** - هرگاه در وسط و انتهای کشیده‌ها مانند «ف، ب» و کشش «س» و نیز وسط دایره‌ها، قلم به پهن‌ترین حالت خود برسد (یعنی آن بخش از حروف یا کلمه که با پهنای واقعی قلم برابر شود) آن را قوت گویند.

● **سطح** - حرکات قلم که به صورت‌های افقی، عمودی و مایل نوشته شود را سطح گویند. مانند حرف «ک» که از سه حرکت «الف» به صورت عمودی، «ب» به صورت افقی و

سرکش «ک» به صورت مایل تشکیل شده است. هرگاه سطح به شکل افقی باشد با قوت همراه است، یعنی تمام پهنای قلم دیده می‌شود، مانند حرف «ب». هنگامی که سطح به شکل عمودی یا مایل باشد، با ضعف همراه است؛ یعنی اینکه تمام پهنای قلم بر کاغذ می‌نشیند، اما در شکل به دست آمده تمام پهنای قلم دیده نمی‌شود. اصولاً در خط نستعلیق سطحی مشاهده نمی‌شود، زیرا در همان حروف مسطح دور خفیفی دیده می‌شود.

● **دور** - حرکات قلم در دواير معکوس و مستقیم و در سر «و»، «ف» و «ق» که به صورت چرخشی (دایره یا بیضی) نوشته شود را دور گویند. دور، ممیز بین خط نستعلیق و نسخ عربی است. و مشکل بودن خط نستعلیق، عمده‌اش به واسطه این دور است. اعتدال سطح و دور را از خط استاد باید نقل کرد.

● **صعود حقیقی** - حرکت راست و مستقیم قلم به بالا را صعود حقیقی گویند، مانند الف پایانی در کلمه «نادر» و لام وسط و کاف آخر در کلمه «ملک».

● **صعود مجازی** - هر گاه قلم از پایین به بالا حرکت کند اما حرکت آن مستقیم نباشد و به صورت دور دار و قوسی باشد آن را صعود مجازی گویند. مانند انتهای دواير «ن، ی، ق، س» که قلم به حالت دور حرکت می‌کند. صعود مجازی را تشمیر یا شمره نیز گفته‌اند. تشمیر در لغت به معنی دامن بر چیدن است، و در اصطلاح خوشنویسی، باریک و منعطف گردانیدن بخش پایانی حروف می‌باشد که همان صعود مجازی است.

● **نزول حقیقی** - رعایت حرکت صاف و مستقیم قلم رو به پایین در حروفی مانند «ا، ل، ک، م» را نزول حقیقی گویند. در نزول حقیقی حرکت قلم باید مانند اوایل بعضی از مدات مانند کشیده «س» باشد.

● **نزول مجازی** - هر گاه قلم به طور غیر مستقیم و غیر عمود رو به پایین حرکت کند آن را نزول مجازی گویند. مانند اوایل دایره‌های «ی» و «ح» و «ع» و کشیده «س» و سرکش «ک».

● **سواد و بیاض** - سواد یعنی سیاهی و بیاض یعنی سفیدی، و مقصود از آن رعایت و سنجش سیاهی خط و تشکیل مقدار سفیدی است که در داخل حلقه‌های «ص، ط، ف، ع، ج، ه و ...» حاصل می‌شود. حافظ شیرین سخن در باره سواد و بیاض می‌گوید:

بیاض روی تو را نیست نقش در خور آنک سوادی از خط مشکین بر ارغوان داری
صائب تبریزی نیز در باره سواد و بیاض گفته است:

- ترجیح می‌دهد به پدر اوستاد را هر کس شناخته است سواد و بیاض را
- اصول - در اصطلاح خوشنویسی به نقل از رسالهٔ *آداب‌المشقی* باباشاه اصفهانی، به کیفیت خط گفته می‌شود که از اعتدال ترکیب اجزای نه‌گانهٔ «ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی و نزول حقیقی» حاصل شود. چنانچه در هر خط این صفت، یعنی «اصول» رعایت شود، آن خط نفیس است.
 - صفا - بابا شاه اصفهانی می‌گوید: صفا حالتی است در خط که طبع را مسرور و مروح می‌کند، چشم را نورانی می‌نماید و بی‌تصفیهٔ قلب تحصیل آن نتوان کرد؛ سلطانعلی مشهدی در *صراط‌السطور* گفته است:
داند آنکس که آشنای دل است که صفای خط از صفای دل است
 - شأن - شأن حالتی است که چون در خط به‌وجود آید، کاتب از تماشای آن مجذوب گردد و از خود فارغ شود. چون قلم کاتب صاحب شأن شود، از لذات عالم مستغنی گشته، به‌کلی رو به‌سوی مشق نوشتن کند و پرتو انوار جمال شاهد حقیقی در نظرش جلوه‌گر می‌شود. کاتبی که درد عشق را کشیده و دلبری به‌نام خط را برگزیده، سرانجام به درجهٔ آخر خط یعنی شأن خواهد رسید (فضائلی، ۱۳۶۳: ۷۱-۱۰۶ و قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۱۸-۲۱۳).

خودآزمایی

۱. موزون و متناسب نوشتن حروف و کلمات، از کدام اصول و قواعد خوشنویسی است؟

| | |
|-----------|----------|
| الف) نسبت | ب) ترکیب |
| ج) کرسی | د) اصول |
۲. اسباب به چه معناست؟

| | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| الف) رعایت غلظت و رقت حروف در نوشتن | ب) رعایت کلی اصول هر حرف در نوشتن |
| ج) رعایت زیبایی در کشیده‌نویسی | د) رعایت حسن اتصال حروف |
۳. کدام گزینه از اجزای ترکیب نمی‌باشند؟

| | |
|--------------------------|---------------------------|
| الف) ترکیب در حرف و کلمه | ب) ترکیب در کلمات و جملات |
|--------------------------|---------------------------|

ب) ترکیب در جمله و سطر

ج) دانستن محل حروف و کلمات در سطر

د) رعایت حرکات و ضوابط

۴. سطح به چه معناست؟

الف) حرکات قلم به صورت افقی

ج) حرکات قلم به صورت مایل

ب) حرکات قلم به صورت عمودی

د) هر سه مورد

فصل دوم

آداب المشق

هدف‌های کلی

آشنایی با آداب المشق باباشاه اصفهانی

اهداف یادگیری

در پایان این بخش از دانشجو انتظار می‌رود

۱. انواع مشق‌ها را توضیح دهد.
۲. تفاوت مشق نظری و مشق قلمی را شرح دهد.
۳. ابیات سلطانه‌لی مشهدی در باب ممارست در خوشنویسی را حفظ کند.
۴. اندازه سطح و دور در اقلام مختلف را بداند.

۱-۲ آداب المشق

در رساله *آداب المشق* بابا شاه اصفهانی آمده است: «مشق بر سه قسمت است: مشق نظری، مشق قلمی و مشق خیالی».

۱-۱-۲ مشق نظری

مشق نظری نگاه کردن به خط استاد، و خوب دیدن خط به منظور شناخت و درک عمیق شکل حروف کلمات است، تا حدی که چشم از شکل‌های حروف و کلمات عکس بگیرد و آن‌ها را به‌خاطر بسپارد. فایده مشق نظری آشنا شدن کاتب به کیفیات روحانی

خط است. بهتر است مبتدی مدتی مشق نظری کند تا طبع او به لذات روحانی خط متعلق شود، بعد از آن مشق قلمی نماید و در هنگام مشق قلمی، مشق نظری هم باید انجام داد. درویش محمد بخاری در رسالهٔ *فوائد الخطوط* دربارهٔ مشق نظری می‌گوید: «چون از خط حظی بردی و صاحب تشخیص شدی، در هر نظری به خیال و تفکر و مطالعه و تعمق، نظر به خط استاد انداز تا چندان که مفهوم و معقول شود. لیکن این نوع مشق اگر با مشق قلمی جمع شود، نور علی نور می‌شود؛ زیرا که حصول خط به مشق قلمی است».

صائب تبریزی، دیدن خط استاد را بهتر از خواندن دانسته و گفته است:

چشم در صنع الهی باز کن لب را ببند
 بهتر از خواندن بود دیدن خط استاد را

۲-۱-۲ مشق قلمی

پس از دیدن خط استاد و شناختن سرمشق، هنرجو باید به مشق قلمی بپردازد. چنانچه هنرجو در مشق نظری، شکل‌ها و رابطهٔ بین حرف‌ها و کلمه‌ها را از نظر میزان سطح، دور، ضخامت، ظرافت، رعایت کرسی و فواصل را به‌خوبی احساس کرده و در ذهن مجسم کند، می‌تواند به مشق قلمی بپردازد و از روی سرمشق بنویسد. هنرجو در مشق قلمی باید نکته‌های زیر را رعایت کند:

- مفردات را از روی خط استاد نوشته، به‌نحوی که هیئت و شکل هر حرف را به‌درستی بنویسد.
 - مرکبات را به‌اندازهٔ یک‌صد بیت بنویسد و در آن‌ها به اجزای پانزده‌گانهٔ اصول و قواعد خوشنویسی توجه کند.
 - به خطی که روش آن مخالف روش سرمشق استاد است، نظر نکند.
 - تا مدتی به‌غیر از مشق قلمی، مشق دیگر نکند.
 - قلم را به نوع صحیح بترشد.
 - با قوت و دقت مشق بنویسد. همچنین غیر از مشق قلمی، هر روز یک نوبت در حد توان خود مشق ذهنی کند. در این صورت، در مدت کوتاهی خط او ترقی می‌کند و ممتاز می‌شود. سپس هر روز بیست بیت با رتبهٔ عالی کتابت کند.
 - سلطانعلی مشهدی دربارهٔ خط استادان و نقل از آن در رسالهٔ *صراط‌السطور* می‌گوید:
- | | |
|--|--|
| <p>جمع می‌کن خطوط استادان طبع تو سوی هر کدام کشید تا که چشم تو پُر شود ز خطش</p> | <p>نظری می‌فکن در این و در آن جز خط او دگر نباید دید حرف حرفت چو دُر شود ز خطش</p> |
|--|--|

همچنین وی مشق را دو نوع خوانده (مشق نظری و مشق قلمی) و گفته است:

بر دو نوع است مشق و نهفتم
 قلمی خوان یکی، دگر نظری
 قلمی مشق کردن نقلی
 نظری دان نگاه کردن خط
 هر خطی را که نقل خواهی کرد
 حرف حرفش نکو تأمل کن
 قوت و ضعف و حرف‌ها بنگر
 در صعود و نزول او می‌بین
 باش از شمرهای حرف آگاه
 جهد کن تا ز مشق نقلی خویش
 نقل را اهتمام باید کرد

با تو ای خوب‌رو جوان گفتم
 نبود این سخن، منی و مری
 روز مشق خفی و شام جلی
 بودن آگه ز لفظ حرف و نُقْط
 جهد کن تا نکوبی آهن سرد
 نی که چون بنگری تغافل کن
 دار ترکیب آن به پیش نظر
 تا که حظی بری از آن و از این
 تا بود پاک و صاف و خاطرخواه
 نشوی غافل از کنی کم و بیش
 سطر سطرش تمام باید کرد

۲-۱-۳ مشق خیالی (مشق ذهنی)

در مشق خیالی، هنرجوی خوشنویسی باید بتواند با رجوع به قوت طبع و ذهن و ابتکار و خلاقیتش، هر ترکیبی که را بخواهد، بدون استفاده از سرمشق کتابت کند. فایده این مشق آن است که کاتب را صاحب تصرف^۱ می‌کند. اگر این مشق بر مشق قلمی غالب شود، کتابت بی مغز می‌شود.

سلطانعلی مشهدی دربارهٔ ممارست و پشتکار در خوشنویسی، ایات زیر را آورده است:

ای که خواهی که خوشنویس شوی
 خطهٔ خط مقام خود سازی
 ترک آرام و خواب باید کرد
 سر به کاغذ چو خامه فرسودن
 ز آرزوهای خویش بگذشتن
 داند آنکس که آشنای دل است
 خط نوشتن شعار پاکان است

خلق را مونس و انیس شوی
 عالمی پر ز نام خود سازی
 وین ز عهد شباب باید کرد
 زین عمل روز و شب نیاسودن
 وز ره حرص و آز برگشتن
 که صفای خط از صفای دل است
 هرزه گشتن نه کار پاکان است

۱. تصرف: به میل خود تغییر دادن

گوشه انزوا نشیمن کن یاد گیر این سخن ز پیر کهن
میرعلی هروی نیز معتقد است برای خوشنویس شدن باید چهل سال تمرین و
مشق پیاپی انجام داد. وی در رساله *مداد الخطوط* می‌گوید:

چهل سال عمرم به خط شد تلف سر زلف خط ناید آسان به کف
ز مشقش دمی هر که فارغ نشست چو رنگ حنا رفت خطش ز دست

درویش محمد بخاری در *فوائد الخطوط* می‌گوید: خوشنویس برای حُسن خط،
باید به‌طور مداوم خط بنویسد:
اگر خواهی که خطت نیک گردد می‌نویس و می‌نویس و می‌نویس

۲-۲ توصیه‌های لازم برای پیشرفت خط

هنرجویان خوشنویسی باید قبل از نوشتن خط، به توصیه‌های زیر که به پیشرفت خط
کمک می‌کند، توجه کنند:

- داشتن نور مناسب در هنگام تمرین خوشنویسی لازم و ضروری است. نور باید
به‌طور غیرمستقیم و از سمت چپ بر صفحه کاغذ بتابد. جایی که نور کم دارد یا در
معرض شدید نور قرار گرفته است، مناسب خوشنویسی نیست و هر دو موجب
خستگی چشم و آسیب‌دیدگی آن می‌شود.

- صفحه کاغذ باید کاملاً مقابل صورت و چشم قرار گیرد. بنابراین، هیچ‌گاه نباید کاغذ
را کج قرار داد.

- فاصله چشم تا صفحه کاغذ باید حدود ۳۰ سانتی‌متر باشد و از نزدیک شدن چشم به
کاغذ باید احتراز کرد؛ زیرا به چشم آسیب می‌رساند و کاتب زود خسته می‌شود.

- هنگام نوشتن کلمات کشیده، باید نفس در سینه حبس گردد تا آرامش بیشتر، و لرزش
دست کمتر شود.

- زیردستی نباید خیلی سخت یا نرم باشد. در صورت نرم بودن زیردستی، باید چند ورق
کاغذ زیر نوشته قرار داد. می‌توان از صفحه‌ای چرمی به‌منزله زیردستی استفاده کرد.

- هنگام تمرین باید به سرمشق‌ها کاملاً توجه و سعی کرد تمرین را با آهستگی و
آرامش ادامه داد.

- باید به صورت مستمر و هرروز تمرین‌های خوشنویسی را انجام داد و نباید بین تمرین‌ها فاصله ایجاد شود.
- هنرجو ابتدا زیر نظر استاد مشق کند؛ اول مشق نظری و سپس به مشق قلمی بپردازد.

۲-۳ دانگ

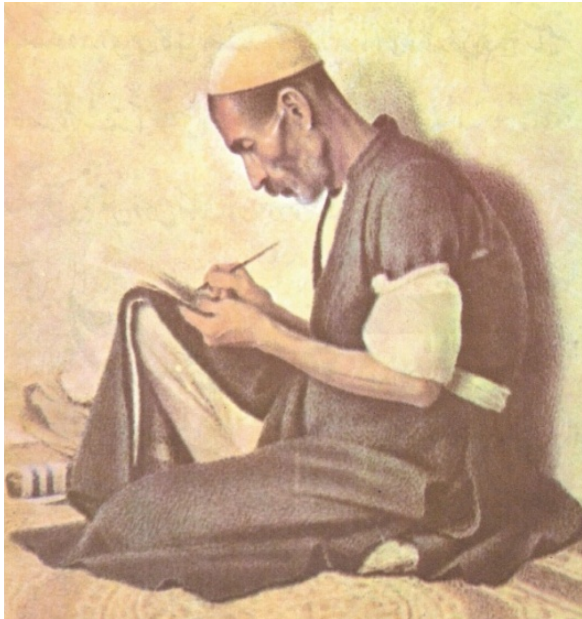
در خوشنویسی به واحد اندازه‌گیری پهنای نوک قلم، دانگ گفته می‌شود. اگر یک نقطه یا پهنای نوک قلمی را نسبت به عرض نوک قلم، به شش قسمت مساوی تقسیم کنیم، یک دانگ آن نقطه یا قلم به دست می‌آید.

مجنون رفیقی هروی در رساله سواد الخط، فتح‌الله سبزواری در رساله اصول و قواعد خطوط سته و میرعلی هروی در رساله مداد الخطوط، اندازه سطح و دور را در خط‌های مختلف چنین آورده‌اند:

- خط کوفی - پنج دانگ سطح و یک دانگ دور (مجنون رفیقی هروی)؛
 - خط محقق - چهار دانگ سطح و دو دانگ دور؛
 - خط ریحان - تابع محقق است؛
 - خط ثلث - دو دانگ سطح و چهار دانگ دور؛
 - خط نسخ - تابع ثلث است؛
 - خط توقیع - یک دانگ سطح و پنج دانگ دور؛
 - خط رفاع - تابع توقیع است (فتح‌الله سبزواری)؛
 - خط تعلیق - یک دانگ سطح و پنج دانگ دور؛
 - خط نستعلیق - یک دانگ سطح و پنج دانگ دور (میر علی هروی).
- غلامحسین امیرخانی در *آداب الخط* خود اندازه تقریبی پهنای نوک قلم را به میلی‌متر و سانتی‌متر سنجیده، و برای نوشتن قلم‌های مختلف آن‌ها این‌گونه تقسیم‌بندی کرده است:

- غبار - از کوچک‌ترین اندازه تا نیم میلی‌متر؛
- خفی - از نیم میلی‌متر تا سه چهارم میلی‌متر؛
- کتابت - از سه چهارم میلی‌متر تا یک و نیم میلی‌متر؛
- سر فصلی - از یک و نیم میلی‌متر تا دو میلی‌متر؛
- قطعه یا مشقی - از دو میلی‌متر تا شش میلی‌متر؛

- جلی صفحه - از شش میلی متر تا دو سانتی متر؛
 - کتیبه - از دو سانتی متر به بالا.
- وی همچنین قلم مشقی را که در خوشنویسی کاربرد زیادی دارد، به ترتیب زیر نام‌گذاری کرده است:
- قلم یک دانگ مشقی - دو تا دو و نیم میلی متر؛ برای سیاه‌مشق، قطعه‌نویسی و مشق به‌کار می‌رود.
 - قلم دو دانگ مشقی - دو و نیم تا سه میلی متر؛ برای تمرین و مشق هنرجویان دوره مبتدی است و آن را قلم متوسط گویند.
 - قلم دو و نیم دانگ مشقی - سه تا سه و نیم میلی متر؛ برای مشق مناسب است.
 - قلم سه دانگ مشقی - سه و نیم تا چهار میلی متر؛ برای قطعه‌نویسی به‌کار می‌رود.
 - قلم چهار دانگ مشقی - چهار تا چهار و نیم میلی متر؛ برای قطعه‌نویسی به‌کار می‌رود.
 - قلم پنج دانگ مشقی - چهار و نیم تا پنج میلی متر؛ برای قطعه‌نویسی به‌کار می‌رود.
 - قلم شش دانگ مشقی - پنج تا شش میلی متر؛ برای قطعه‌نویسی به‌کار می‌رود (امیرخانی، ۱۳۷۱: ۵).



شکل ۲-۲. تصویر میرزا هادی خوشنویس در حال کتابت، اثر محمد غفاری «کمال‌الملک»